

انگیزه‌های قیام

حبیب‌الله شهبازی در یکی از اعلامیه‌های خود انگیزه‌های عشایر فارس از جنبش مسلحانه را چنین بیان می‌کند:

به طوری که هم‌میهنان عزیز اطلاع دارند، از یک ماه پیش عشایر فارس به منظور پشتیبانی از جنبش‌های ملی و دلیرانه مردم شهرستان‌ها مخصوصاً اهالی محترم تهران مسلحانه به پاخاسته و توانسته‌اند تا حد زیادی دنیا را به آنچه در ایران ما می‌گذرد متوجه سازند. متأسفانه چون در بدو امر مقدور نبود هدفهای نهایی عشایر را این قیام به سمع ملت ایران برسانند، دولت تا می‌توانست علیه جنبش ملی ما تبلیغات سوء نمود. گاهی آنها را چند نفر دزد و راهزن و جیره‌خوار و یار دیگر مخالف اصلاحات ارضی و سرانجام تحریک شده مالکین و فئودال‌ها معرفی نمود و اعلیحضرت شاه در نطق‌های خود، سران عشایر را شمشیرهای جامعه و مورچه‌هایی در مقابل لکوموتیو یاد کردند و حال آن‌که ۱۰ سال ظلم و جور و ستم‌های دیکتاتوری کافی بود که تمام ملت ایران را علیه دولت مرکزی به طغیان و عکس‌براندازی؛ منتها نجات و بردباری ملت ایران همه مظالم و مفاسد هیأت حاکمه را با صبر و شکیلی و مبارزات منطقی و قانونی تحمل نمود.

اینک لازم می‌دانند هموطنان عزیز را به هدف مقدسی که محرک احساسات پاک و بی‌آلایش عشایر فارس بوده است، واقف سازد.

هموطنان عزیز! ظلم و جور حکومت‌های دیکتاتوری در ۱۰ ساله اخیر، تمام ملت ایران را به زانو درآورده است. فشار هیأت حاکمه، تعطیل مشروطیت، نقض قانون اساسی، اختناق مطبوعات و افکار عمومی، حبس و شکنجه و تبعید آزادیخواهان، ورشکستگی اقتصادی و فقر و فاقه عمومی، فشار مأمورین ژاندارم به تمام دهات و قصبات، بی‌اعتنایی و بی‌احترامی به مقررات قرآن و دین مبین اسلام، حمله بی‌رحمانه به ساحات مقدسه و دانشکده‌های دینی و تربیتی، شتم و جرح طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاه، تنگ حرمت علمای اعلام و پیشوایان دین و صدها مظالم و قانون‌شکنی دیگر از مظاهر حکومت‌های دیکتاتوری و دست‌نشانده ۱۰ ساله اخیر است. عشایر فارس که در ۱۰ ساله اخیر پیوسته از دور و نزدیک ناظر مبارزات شرافتمندانه و قانونی جوانان و آزادیخواهان تهران و شهرستان‌ها بوده و تلاش و کوشش آنها را مواجبه با قدرت سرنیزه و توپ و تانک و حبس و شکنجه حکومت دیکتاتوری می‌دید، از دو سه سال پیش خود را برای دفاع از حق و آزادی آماده نموده و هر چند مبارزات دلیرانه و شرافتمندانه مردم شهرها، خصوصاً جوانان دانشگاه، در خور تعظیم و ستایش بود، معذراً چون حکومتی که با سرمایه‌ملت همه‌گونه وسیله سرکوبی و اعمال زور و ظلم در اختیار دارد، مادام که با عکس‌العمل شدیدتری مواجبه نشود نمی‌تواند ملت را در سرنوشخت خود آزاد بگذارد و از طرفی هم عشایر و دهات و قصبات بیش از پیش تحت فشار مأمورین دولت قرار گرفته بودند، ناچار به پشتیبانی مردم فهرا مان تهران به پاخاسته تا سهمی در مبارزات ملی داشته باشند... و سرانجام برای کسب آزادی واقعی که تمام ملت‌های اسپر آسیایی و آفریقایی از آن برخوردار شده‌اند قیام کرد و اینکه هم در سراسر فارس بر اوضاع مسلط و تا حصول آزادی و برانداختن رژیم دیکتاتوری از پا نخواهد نشست و زن و مرد عشایر برای نجات وطن و آزادی عموم ملت ایران زیر گریه‌های مسلسل و بی‌بهای آتش‌زاپاداری نموده و از بدل جان خود دریغ نخواهند کرد و تا زمانی که بساط خودمصری حکومت دیکتاتوری را برنیزانند و حکومت قانون را مستقر نسازند و آزادمردان و آزادیخواهان را از سایه‌حال زندان‌ها و تبعیدگاه‌های داخل و خارج رهایی نبخشند، هرگونه مقاومتی را که از طرف نیروهای دولتی ابراز شود دردم کوبیده و به یاری خداوند بزرگ و استعانت ائمه اطهار و پشتیبانی ملت فهرا مان ایران نهضت آزادیبخش ملی را به نمر خواهند رسانید.

هموطنان عزیز! عشایر جنوب بارها امتحان رشادت و وطن‌دوستی را داده‌اند. نهمتهای نازواری حکمت، که البته به تمام آزادیخواهان در این چند ساله نسیبتهای نیز داده‌اند، نمی‌تواند دامن پاک ملت و افراد ما را لکه‌دار کند. ما خواهان آزادی و اصلاحات دقیق اجتماعی هستیم و ملت ایران و نسل آینده باید بدانند که عشایر فارس با اکتفا به نیروی عظیم ملی برای نجات وطن برخاسته و ساستی که پیروزی نهایی حاصل شود به فرمان ملت، اسلحه خود را زمین گذارده به شغل کشاورزی و دامپروری می‌پردازیم. عشایر فارس نه تنها مخالف اصلاحات ارضی و اجتماعی و آزادی دهقانان نیست، بلکه هرگونه اصلاح اساسی و مترقیانه را که با تصویب نمایندگان واقعی و به دست دولت برگزیده ملت و در حدود قانون اساسی و رعایت اعلامیه حقوق بشر صورت گیرد، صمیمانه پشتیبانی خواهد کرد...



از چپ: شهیدان محرم‌تخت‌شهبازی و سرسخت شهبازی. عکس‌ها از آرشیو خانوادگی شهبازی

آنان خون خویش را نثار نهایی کردند که سرکام با پیروزی انقلاب اسلامی، پس از قرن‌ها، ملت ایران بزم شیرین استقلال را چشید

هنگامه پرواز

در ۴ تیرماه ۱۳۳۲ حبیب‌الله شهبازی به زندان قزل‌قلعه تهران منتقل و در سلول انفرادی سمت سایه جادی داده شد. او پس از هفت ماه بازجویی و شکنجه در ۲۰ بهمن ۱۳۳۲ به زندان شیراز انتقال یافت؛ در تیر ۱۳۳۳ در دادگاه ویژه زمان جنگ شیراز، که مختص

شکست قوای دولتی

پس از شایع شدن خبر استقرار شهبازی در پیرنو، نیروهای دولتی منطقه فوق را به محاصره درآوردند و در سحرگاه ۲۵ فروردین ۱۳۳۲ با حمایت تانک و زره‌پوش و کمانده‌های چترپاز حمله را آغاز کردند. فرماندهی این حمله را نیز سرهنگ ناجی به دست داشت. هوایماها پشت به بمباران این منطقه پرداختند و نیروهای کماندو با چتر فرود می‌آمدند. صدای بمباران و تیراندازی در شهر شیراز بوضوح لحاظ نفوذی که داشت، زمان‌اعدامش را فاش نکردند. برای جلوگیری از اعتراض‌های مردمی، روز قبل از اعدام اعلام کردند که فردا شهبازی آزاد خواهد شد. طبق اسناد موجود، شهبازی با روحیه‌ای آرام و قوی خود را برای تیرباران آماده کرد و در روز اعدام، پس از استحمام و خواندن نماز صبح، لباس مرتب پوشید و به نصیری گفت: من خودم می‌ایستم، لازم نیست مرا به چوبه تیرباران ببندید. نصیری موافقت نکرد. شهبازی، سپس، خواست که چشمانش را ببندند. نصیری موافقت کرد، به این ترتیب، شهبازی با چشمان باز و لبخند رلب، مرگ را پذیرا شد. تصاویری که پس از انقلاب، در مراسم تیرباران او به دست آمد گویای شهامت وی در استقبال از مرگ است.

او، برادرانش و سایر مبارزان راه آزادی و استقلال ایران اسلامی خون خویش را نثار نهایی کردند که سرانجام ۱۵ سال بعد به نمر نشست و با پیروزی انقلاب اسلامی، ملت ایران پس از قرن‌ها، طعم شیرین استقلال حقیقی را چشید.

پانویس‌ها:

۱. منظور سرهنگ ژاندارمری عباس پاکروان (اهل آباده فارس) است که در رأس گروهی ژاندارم، سرکوب مردم منطقه را به دست داشت.
۲. متن اعلامیه مزبور در این صفحه جداگانه درج شده است.

حربه مکر و فریب

سرانجام، حکومت پهلوی که کشتار و بمباران و تهاجم نظامی را بی‌نتیجه دید، به ترند فریب متوسل شد؛ حربه‌ای که اکثر قیامهای عشایری تاریخ معاصر ایران با آن به پایان خوبیاری رسیده است. آمدورفت‌ها و مذاکرات آغاز شد و سرانجام حبیب‌الله شهبازی، پس از فریب به پنج ماه مبارزه مسلحانه در منطقه کوهستانی، در فصل پربرف زمستان، آمادگی خود را برای تسلیم شدن اعلام کرد.

حبیب‌الله شهبازی در روز یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۲ به همراه سرلشکر همت به شیراز وارد شد و بلافاصله در سلول انفرادی ساواک بازداشت شد. کپهان و اطلاعات، روزنامه‌های اصلی کشور، خبر تسلیم شدن حبیب‌الله شهبازی را به عنوان مهمترین خبر روز در صفحه اول درج کردند و آن را پایان فائله فارس خواندند.

ما برای یاری امام برخاسته‌ایم

نهضت امام خمینی پژواکی گسترده در میان تمامی اقشار مردم داشت. توده‌های وسیع شهری و روستایی و عشایر به ندای امام "لیک گفتند و پرچم قیام را علیه حکومت پهلوی برافراشتند. علاوه بر جنبشهای شهری، مهمترین قیام عشایری که تحت تأثیر مسرتخت نهضت روحانیت آغاز شد و با سرکوبی خونین پایان یافت، قیام سالهای ۱۳۳۲-۱۳۳۱ عشایر جنوب ایران است. عشایر غیور فارس طی شش ماه جنگ در کوهستان‌های جنوبی ایران ضربه‌های مهلکی بر پیکر حکومت پهلوی وارد کردند. کانون اصلی این قیام در دو منطقه

عبدالله شهبازی

حبیب‌الله شهبازی از سران خوشنام و محبوب عشایر جنوب ایران بود و ریاست منطقه کوهمره سرخی را به دست داشت. کوهمره منطقه‌ای است کوهستانی و جنگلی که آخرین شاخه جنوبی جبال زاگرس به‌شمار می‌رود و در جنوب شهر شیراز واقع است. این منطقه مرکز استقرار طوایف متعددی است که قدمت آنها به دوران پیش از اسلام بازمی‌گردد و به گویش باستانی خاصی تکلم می‌کنند. طوایف کوهمره از اولین طوایف شیعی ایران به‌شمار می‌روند و قدمت تشیع در این منطقه حداقل به دوره آل‌بویه می‌رسد. به این دلیل در دوره سلجوقی منطقه فوق مورد سرکوب شدید قرار گرفت و بخشی از سکنه آن به مناطق دیگر، از جمله کرمان، کوچانده شدند.

از زمان تجاوز استعمار انگلیس به جنوب ایران، مردم کوهمره سرخی، در کنار سایر ایلات و طوایف جنوب، در مبارزات مسلحانه ضد انگلیسی نقش فعال داشته و بعدها در قیام بزرگ عشایر فارس علیه حکومت رضا شاه پهلوی (۱۳۰۷-۱۳۱۱) نقش برجسته‌ای ایفا کردند. در جریان این قیام سرسخت و عبدالله، دو برادر بزرگ حبیب‌الله شهبازی، تیرباران شدند و او، که نوجوان بود، زندانی و سپس تبعید شد. حبیب‌الله شهبازی پس از سقوط حکومت رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰ به کوهمره بازگشت و ریاست منطقه را به دست گرفت.

دیدار با امام

قیام حبیب‌الله شهبازی علیه حکومت پهلوی از آذر ۱۳۳۱ آغاز شد. طبق اسناد ساواک، ظاهر آوری قبل از شروع قیام به قم سفر کرده و با امام خمینی "خود را با اقدامات ضد مردمی و ستمگرانه حکومت پهلوی بیان کرد. حکومت پهلوی نیز با صدور اعلامیه‌هایی به تبلیغات علیه او پرداخت و برای قتل وی ۲۵ هزار تومان جایزه نقدی تعیین کرد. شهبازی در اوایل دیماه در نامه‌ای به رئیس ساواک فارس به تبلیغات منفی علیه خود چنین پاسخ داد:

قبل از وقوع این انقلابات، خوب بود مقامات مسوول به تیمسار اشکان افرمانده ژاندارمری فارس [نصیحتی فرموده بودند که مأمورین ژاندارم را به جان و مال مردم خودمختار نسازد. معلوم است وقتی که فلان افسر ژاندارم یا فلان ژاندارم برای بر کردن کیسه خود حاضر است همه کار را مرتکب



جان چه باشد که فدای قدم دوست کنم

بسم‌الله الرحمن الرحیم
اینجانب حبیب‌الله شهبازی با جمله طوایف کوهمره سرخی، که دو هزار نفرشان فعلاً مسلح و آماده ایستاده‌اند، برای یاری روحانیون و مراجع تقلید مخصوصاً حضرت آیت‌الله خمینی دامت برکاتهم از هیچ‌گونه خدمت و پشتیبانی و جنبازیری دریغ نخواهم داشت و تا آخرین قطره خون خود را برای آبیاری درخت اسلام و احکام قرآن خواهم ریخت.
جان چه باشد که فدای قدم دوست کنم
این متاعی است که هر بی‌سروپایی دارد
فدوی اسلام و روحانیین و آیت‌الله خمینی
حبیب‌الله شهبازی

قیام عشایر فارس در حمایت از نهضت ۱۵ خرداد

شود، البته مردم هم حس دارند، بالاخره عکس‌العملی نشان می‌دهند. پس عمل این وقایع همانا اعمال مأمورین ژاندارم است... در اعلامیه شماره یک درباره اینجانب بی‌لطفی‌هایی شده است... به نظر من بایستی این قبیل اعلامیه‌ها درباره فلان قساز فلان ملکی دوز که به درجه افسری نائل می‌شود و در اندک مدتی میلیاردی می‌شود صادر شود؛ والا اینجانب بعد از یک عمر زحمت دارای فعلاً مورد چپاول و غارت مأمورین ژاندارم است. پاکروان‌ها، که از کیسه خالی این مملکت و این ملت حقوق می‌گیرند که حافظ مال مردم باشند، اینک خود غارتگر و دزد از آب بیرون می‌آیند.

بمباران عشایر

در اسفند ۱۳۳۱، برای هماهنگ کردن عملیات نیروهای ارتش و ژاندارمری و شهرداری علیه عشایر، به دستور شاه، سپهبد بهرام آریا وارد فارس شد و ستاد فرماندهی عملیات نیروهای جنوب را تشکیل داد. با ورود آریا به فارس، بمباران و حمله کوهمره آغاز شد. بمباران عشایر فارس در سراسر جهان بخش شد و سازمان‌های سیاسی ضد رژیم آن را محکوم کردند. سپهبد کریم وهرام، استاندار فارس، با دستیابی شایعات بمباران را تکذیب و در مصاحبه‌ای اعلام کرد: "سرکوبی عده‌ای دزد قطاع‌الطریق، احتیاج به بمباران ندارد".

عشایر در برابر بمباران و کشتار مردم بیگناه واکنش نشان دادند و به پاسگاه دانجان، در جنوب شرقی کوهمره، حمله برده و آن را خلع سلاح کردند. خلع سلاح پاسگاه دانجان آغاز عملی قیام فارس به‌شمار می‌رود.

پس از بمباران‌های گسترده و بی‌نتیجه، در نیمه اسفند ۱۳۳۱ نیروهای نظامی حکومت پهلوی طرح تهاجم به منظور اشغال منطقه کوهمره را آغاز کردند. این تهاجم در سحرگاه ۱۷ اسفند، به فرماندهی سرهنگ رضا ناجی، از طریق تنگ بلُغو آغاز شد ولی به دلیل مقاومت سخت عشایر ناکام ماند. نیروهای نظامی پس از تحمل تلفات سنگین، از جمله یک هوایما، به شیراز بازگشتند. این واقعه به "جنگ بلُغو" معروف است. ناجی بعدها به درجه سرلشکری رسید، در جریان انقلاب، فرمانداری نظامی اصفهان را به دست گرفت و پس از پیروزی انقلاب به حکم دادگاه انقلاب اسلامی تیرباران شد.

در نیمه دوم فروردین ۱۳۳۲ عشایر قیام‌کننده در روستای پیرناب (۱۱ کیلومتری جنوب شهر شیراز) مستقر شدند. حبیب‌الله شهبازی نامه‌ای برای آیت‌الله حاج شیخ بهاء‌الدین محلاتی و آیت‌الله شهید سید عبدالحسین دستغیب نوشت و به‌وسیله شیخ عیسی حسینی برای ایشان ارسال کرد. او در این نامه استقرار خود در پیرناب (پیرنو) را به اطلاع رسانده و خواستار شده بود که علمای شیراز از درون مساجد قیام را آغاز کنند. وی از بیرون به شهر حمله کرده و شهر شیراز را به تصرف درآوردند. آیت‌الله محلاتی و شهید دستغیب از مرحوم جلال‌الدین آیت‌الله‌زاده (برادر آیت‌الله محلاتی که دوست قدیمی حبیب‌الله شهبازی بود) مشورت خواستند. وی در جلسه حاضر شد، نامه شهبازی را قرائت کرد و با طرح فوق مخالفت نمود. حبیب‌الله شهبازی در این زمان اعلامیه‌ای در حمایت از نهضت روحانیت

ماشین سازی محمودی

سازنده انواع ماشین‌های دستمال کاغذی و دستکاهای بسته بندی ماکارونی

قند - جای - حبوبات و مواد غذایی

تهران ۰۲۱-۴۴۹۰۵۶۹۹-۰۲۱-۴۴۹۰۱۹۱۷

فلیکس ۰۲۱-۴۴۹۰۳۴۰۶

اگر اتفاق بود بگ بار بود

اسلام هم

تیمار با بکر های کشور کانون هستند

ریاضی

۶ مهر ۱۰ مهر کشور

سازمان آموزش عالی و فنی حرفه‌ای

سازمان آموزش عالی و فنی حرفه‌ای

کانون فرهنگی آموزش ۰۲۱-۸۶۰۹۷۰۶

آگهی تجدید مناقصه عمومی

مناقصه شماره م/ن ۴۴/۴۳/۴

پروژه تست A.E روی مخازن LPG واحد CF

شرکت سهامی فراآرژش بندر امام وابسته به شرکت سهامی پتروشیمی بندر امام در نظر دارد انجام پروژه فوق‌الذکر را طبق مشخصات فنی کار و شرایط کلی زیر از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واحد فنی اربا واگذار نماید.

الف) شرح مختصر عملیات

بزرسی و تست ۸E تعداد ۷ دستگاه مخزن دو جداره ذخیره بوئان و پروپان به قطر داخلی هر مخزن ۵۲/۳ متر و ظرفیت آن ۳۵۰۰ تن

ب) مدت انجام کار و دوره تضمین

مدت انجام کار ۹۰ روز و دوره تضمین سه سال پس از تحویل موفق کار میباشد.

ج) شرایط پیمانکاران مناقصی

دانشجویان و مهندسان و امکانات و تضمین لازم و توانایی انجام کار. سابقه کار مرتبط با موضوع مناقصه دارا بودن نمایندگی از یک شرکت معتبر خارجی، فر زمینه تست ۸E و توانایی بر اده ضمانتنامه شرکت در مناقصه به میزان ۵۵ صلف پیشنهادهی

از کلیه پیمانکاران مناقصه و واحد فنی اربا نقاشی میگردد ظرف مدت یکپونده از تاریخ انتشار نوبت دوم این آگهی باسنتها، پنج شبه‌ها و ایام تعطیل از ساعت ۱۰ الی ۱۵ جهت دریافت اسناد مناقصه به یکی از دفاتر امور حقوقی و پیمانهای شرکت پتروشیمی بندر امام واقع در تهران - خیابان کارگر شمالی- بالاتر از تقاطع فاضلی، ساختمان ۳۰۰ طبقه سوم و یا بندر امام خمینی، مجتمع پتروشیمی بندر امام، ساختمان دفتر مرکزی، طبقه ۳۱۵ مراجعه جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۲۱-۴۴۹۰۳۴۰۶ تماس حاصل نمیداد.

www.bipc.org.ir
WWW.SHANA.IR

روابط عمومی شرکت سهامی پتروشیمی بندر امام

تلاش آفرینش بالندگی

بسمه تعالی

رمضان با قرآن

ویژه در نامه‌های ماه مبارک رمضان در آستان مقدس حضرت عبدالعظیم (ع)

با حضور قاریان مبدکان اهل بیت علیهم‌السلام مستقر در آستان مقدس هیئت ویرگزاراری مسابقات فرهنگی با جوایز ارزشمند

سفر به خانه خدا، سفر به سوریه، سفر به مشهد مقدس، کتب نفیس سنگه پیر آزادی و جوایز ویژه خردسالان و مقطع ابتدایی

از اولین روز ماه مبارک رمضان در مرقه مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) برگزار فواهد کردید.

سخنران دهه اول: حجت الاسلام والمسلمین قسرنی

سخنران دهه دوم: حجت الاسلام والمسلمین ممدوحی

سخنران دهه سوم: حجت الاسلام والمسلمین متبخری

زمان: هر شب از ساعت ۱۹ (آغاز برنامه‌ها با قرائت دعای فرج و افتتاح)

مقدمتان گلپارگان

روابط عمومی آستان مقدس حضرت عبدالعظیم (ع)